



ویژگی‌های خدیجه کبری(س) / حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر(ص) چند سال داشت

مدیر سابق گروه معارف دانشگاه تهران گفت: نظرات متعددی درباره سن و بیوه بودن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر(ص) مطرح است. به نظر من، ایشان در ۲۵ سالگی با پیامبر ازدواج کرده‌اند و قبلاً هم ازدواج نکرده بودند.

مدیر سابق گروه معارف دانشگاه تهران گفت: نظرات متعددی درباره سن و بیوه بودن خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر(ص) مطرح است. به نظر من، ایشان در ۲۵ سالگی با پیامبر ازدواج کرده‌اند و قبلاً هم ازدواج نکرده بودند. خبرگزاری فارس: ویژگی‌های خدیجه کبری(س) / حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر(ص) چند سال داشت به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، دهم ماه مبارک رمضان، سالروز وفات ام‌المومنین حضرت خدیجه کبری (س) همسر با وفای پیامبر اکرم (ص) است. به همین مناسبت، گفت‌وگوی مشروحی با ابوالفضل عابدینی دارای دکترای تاریخ و مدیر سابق گروه معارف دانشگاه تهران انجام دادیم که متن آن تقدیم مخاطبان گرامی می‌شود.

مشترک بودن جد خدیجه با پیامبر

* حضرت خدیجه (س) چگونه زنی بود؟

در تاریخ، چهار زن با فضیلت وجود دارد که از آنها به خوبی نام برده شده است؛ آسیه زن فرعون، مریم بنت عمران (س)، خدیجه همسر پیامبر اکرم(ص) و حضرت فاطمه زهرا(س).

پیامبر اکرم (ص) و حضرت خدیجه(س) جد مشترک داشته‌اند به این شکل که خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی، قصی جد چهارم حضرت خدیجه(س) جد پیامبر(ص) هم هستند.

حضرت خدیجه(س) به عفت، پاکدامنی، زیبایی، ثروت و عقل و ذکاوت معروف بوده و به سیده قریش و طاهره شهرت داشته‌اند.

زنی با چنین ویژگی‌هایی دارای خواستگاران بی‌شماری است ولی ایشان به همه آنها جواب رد داده و خودشان از پیامبر(ص) خواستگاری کرده و با ایشان ازدواج می‌کنند.

* ماجرای تجارت حضرت پیامبر (ع) با خدیجه چگونه بود؟

حضرت خدیجه(س) زنی متحول و بسیار با فضیلت بوده‌اند. عده‌ای از تجار از طرف ایشان کالا برای خرید و فروش می‌بردند و در سود آن شریک می‌شدند. پیامبر(ص) از طرف خدیجه(س) اجیر نشدند بلکه با ایشان مضاربه و مشارکت کردند یعنی کالا و ثروت از طرف حضرت خدیجه(س) باشد و کار از سوی پیامبر(ص).

حضرت خدیجه(س) قبل از این صداقت و درستی و امانت پیامبر(ص) را شنیده بودند، خودشان به ابوطالب اطلاع می‌دهند که اگر ایشان راضی شوند و حاضر باشند می‌توانم مانند بقیه کالا در اختیار ایشان هم بگذارم تا ایشان هم تجارت کنند، البته در سفر اول میسر غلام حضرت خدیجه(س) نیز همراه با پیامبر اکرم(ص) عازم سفر شدند.

پیامبر در این سفر سود زیادی را عائد حضرت خدیجه(س) کرد. میسر اطلاعاتی را که از پیامبر(ص) بدست آورده بود در اختیار حضرت خدیجه(س) قرار داد و گفت: ایشان آدم بسیار امانت داری هستند و در خرید و فروش برخلاف دیگران که بسیار قسم می‌خورند ایشان حقیقت را می‌گویند و قسم نمی‌خورند.

در بین راه داستان بحیرا را که بعضی نقل می‌کنند در 12 سالگی پیامبر(ص) و هنگامی که با ابوطالب به تجارت می‌رفتند اتفاق افتاده است در بعضی از تواریخ آمده که این جریان در اولین سفر تجاری پیامبر(ص) رخ داده و میسر نیز آنرا برای حضرت خدیجه(س) تعریف کرده و گفت که این آدم دارای کراماتی است و یکی از راهبان مسیحی ایشان را در بین راه دیده و بحث‌هایی بینشان اتفاق افتاد.

همچنین خویلد پدر حضرت خدیجه(س) شخص باسوادی بوده و با اطلاعاتی که از یهود و دیگران به دست آورده بود می‌دانست در

آن منطقه پیامبری ظهور خواهد کرد.

البته در آن زمان یک یهودی نیز در مدینه حضور داشت و تمام زنان مکه را جمع کرده و به آنها گفته بود که آخرین پیامبر الهی از این مکان مبعوث خواهد شد و هر کس افتخار داشته باشد می‌تواند با ایشان ازدواج کند، حضرت خدیجه(س) هم از این ماجراها با خبر شدند.

* خواستگاری خدیجه از پیامبر (ص) چگونه بود؟

حضرت خدیجه (س) در چند دیدار که با پیامبر(ص) داشتند متوجه شدند که ایشان در تجارت‌ها سود زیادی می‌آورند و انسان خوب و پاکدامنی هم هستند، به همین دلیل از طریق عمار یاسر از ابوطالب درخواست می‌کنند که من چون نمی‌خواهم با مردان تاجر سر و کله بزنم می‌خواهم در خانه بنشینم، یک انسان امانت‌داری را پیدا کرده‌ام تا اموال مرا به او بسپارم.

پسر برادر شما همان کسی است که من دنبالش بوده‌ام.

گرچه در فرهنگ جوامع آن روز و همچنین بعضی از جوامع امروزی خوب نیست خانم‌ها از آقایان خواستگاری کنند ولی حضرت خدیجه(س) سنت شکنی می‌کنند صرفاً به دلیل استفاده از وجود مقدس پیامبر اسلام (ص)، چون ایشان پیش‌بینی‌ها را شنیده بودند و احتمال می‌دادند که ایشان همان پیامبر باشند و هم بدلیل اینکه تمام مال و اموال خودشان را به ایشان بسپارند و خود در خانه بنشینند درخواست ازدواج را خودشان مطرح کردند.

خطبه ابوطالب برای ازدواج پیامبر و خدیجه نشانگر ایمان ابوطالب است

حضرت ابوطالب بعد از طرح این موضوع در خانه و موافقت خواهران و برادران پیامبر(ص) به طور رسمی به خواستگاری حضرت خدیجه(س) رفته و خطبه جالبی را برای ایشان خواندند که نشان می‌دهد ایشان موحد بوده‌اند.

بعضی از برادران اهل سنت در برخی از کتاب‌ها و حتی در کتابی که به تازگی به چاپ رسیده می‌گویند ابوطالب دین نداشته و بت پرست بوده و کافر از دنیا رفته، در آخر عمرشان هم هر چه پیامبر(ص) توحید و نبوت را به ایشان تلقین کردند تا بپذیرد ایشان قبول نکردند.

برخی تمام این کارها را برای خدشه وارد کردن بر مقام والای حضرت علی(ع) انجام می‌دهند تا بگویند این همه شما ادعا دارید، پدرتان کافر از دنیا رفته است.

همچنین ابوطالب در وصیت به فرزندان خود می‌گوید که دین محمد(ص) از بقیه دین‌ها بهتر است بطوری که من تمام زندگیم را به خاطر آن فدا کردم در شعب ابی‌طالب همراه با ایشان بودم بعد از من هم شما کاملاً از این دین حمایت و پیروی کنید.

خطبه‌ای هم که ایشان برای پیامبر(ص) و حضرت خدیجه(س) خوانده‌اند نشان می‌دهد حضرت ابوطالب موحد بودند و به رسالت پیامبر اکرم(ص) از همان موقع با اطلاعات ضمنی که داشتند معتقد بوده و به ایشان از همان بچگی احترام می‌گذاشتند.

مرحوم صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و شیخ کلینی در کتاب شریف کافی، خطبه عقدی را که به وسیله ابوطالب ایراد شده نقل کرده‌اند که متن آن طبق روایت شیخ صدوق(ره) اینگونه است: «الحمد لله الذی جعلنا من زرع ابراهیم و ذریه اسماعیل، و جعل لنا بیتا محجوجا و حرما آمنا یجبی الیه ثمرات کل شیء، و جعلنا الحکام علی الناس فی بلدنا الذی نحن فیه، ثم ان ابن اخی محمد بن عبد الله بن عبد المطلب لا یوزن برجل من قریش الا رجح، و لا یقاس باحد منهم الا عظم عنه، و ان کان فی المال قل، فان المال رزق حائل و ظل زائل، و له فی خدیجه رغبه و لها فیه رغبه، و الصداق ما سالتهم عاجله و آجله، و له خطر عظیم و شان رفیع و لسان شافع جسیم؛

یعنی: سپاس خدای را که ما را از کشت و محصول ابراهیم و ذریه اسماعیل قرار داد، و برای ما خانه مقدسی را که مقصود حاجیان است و حرم امنی است که میوه هر چیز بسوی آن گرد آید بنا فرمود، و ما را در شهری که هستیم حاکمان بر مردم قرار داد.

سپس برادر زاده‌ام محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب مردی است که با هیچ یک از مردان قریش هم وزن نشود جز آنکه از او برتر است، و به هیچ یک از آنها مقایسه نشود جز آنکه بر او افزون است، و او اگر چه از نظر مالی کم مال است ولی مال پیوسته در حال دگرگونی و بی‌ثباتی و همچون سایه‌ای رفتنی است، و او نسبت به خدیجه راغب و خدیجه نیز به او مایل است، و مهریه او را نیز هر

چه نقدی و غیر نقدی بخواهید آماده است، و محمد را داستانی بزرگ و شانی والا و شهرتی عظیم خواهد بود. »

ازدواج پیامبر (ص) با خدیجه پر برکت‌ترین ازدواج تاریخ

بین حضرت خدیجه (س) و پیامبر (ص) ازدواجی صورت می‌گیرد که بهترین و شایسته‌ترین و پربرکت‌ترین ازدواج است زیرا حاصل این ازدواج مولود پر خیر و برکت فاطمه زهرا (س) است که گل سرسبد زنان عالم، همسر امیرالمومنین علی (ع) و مادر امامان معصوم (ع) به خصوص منجی عالم بشریت (عج) است.

به نظر من، خدیجه در 25 سالگی با پیامبر ازدواج کرد

* حضرت خدیجه (س) هنگام ازدواج چند سال داشتند؟

سن ایشان مورد اختلاف تاریخ نویسان است. معروف این است که پیامبر (ص) 25 سالشان بوده و حضرت خدیجه 40 سال.

ولی این به نظر نمی‌تواند درست باشد؛ اولاً بعد از ازدواج پیامبر و حضرت خدیجه (س) ایشان شش فرزند از پیامبر (ص) به دنیا می‌آورند؛ 4 دختر و 2 پسر که اگر ایشان 40 ساله بودند به نظر مشکل و سخت می‌شود.

آنچه که از منابع دیگر به دست می‌آید کمتر از 40 سال است و نقل‌های متفاوتی بین 27، 30 و 32 وجود دارد اما من معتقدم ایشان هم مانند پیامبر (ص) 25 سال داشته‌اند زیرا حضرت خدیجه (س) در 50 سالگی در سال دهم بعثت و بعد از خروج از شعب ابی طالب، همراه با ابوطالب و با 2-3 روز فاصله، از دنیا رفتند و به همین دلیل این سال را تاریخ‌نویسان عام‌الحرز (سال حزن و اندوه) نامیده‌اند.

حضرت خدیجه (س) 50 سال داشتند، 10 سال بعد از بعثت و 15 سال هم قبل از بعثت بوده است، پس 25 سال داشته‌اند که با پیامبر اسلام (ص) ازدواج کرده‌اند. بر همین اساس 40 ساله بودن ایشان در ازدواج، بسیار بعید است.

خدیجه، هنگام ازدواج، دختر بود نه بیوه

* آیا حضرت خدیجه (س) در زمان ازدواج بیوه بودند؟

در این مورد نظرات متفاوتی وجود دارد ولی بعضی از تواریخ نوشته‌اند که حضرت خدیجه (س) قبل از ازدواج با پیامبر اسلام (ص) ازدواج نکرده بودند این سخن در منابع متعددی آمده مثل یعقوبی.

در یعقوبی آمده که «و كانت خدیجة امرأة باكرة»؛ هنگامی که خدیجه با پیامبر (ص) ازدواج کردند باکره بودند و ازدواج نکرده بودند.

بعضی نیز می‌گویند که ایشان قبل از پیامبر (ص) دو بار ازدواج کرده بودند اینها جزء نقل‌های مهم است اما جناب جعفر مرتضی عاملی نویسنده کتاب «بنات النبی ام ربابه»؛ (دختران یا دختر خوانده‌های پیامبر (ص)) که خودم آنرا ترجمه کرده‌ام معتقدند که حضرت خدیجه (س) قبل از ازدواج با پیامبر (ص) ازدواج نکرده بودند این کتاب به عنوان کتاب سال، برنده جوایزی شده است.

اصلاح یک اشتباه تاریخی

برخی از برادران اهل سنت بسیار بر روی این مسئله مانور می‌دهند که اگر امام علی (ع) یک دختر از پیامبر (ص) گرفته و داماد پیامبر (ص) است، خلیفه سوم دو دختر گرفته که در کتاب آقای مرتضی عاملی ثابت می‌شود اولاً حضرت خدیجه (س) قبل از پیامبر ازدواج نکرده بودند و باکره بوده‌اند، دوماً اینکه این دختران اگر همسر خلیفه سوم شدند هیچکدام دختران پیامبر ما نبوده‌اند بلکه حضرت خدیجه (س) یک خواهری داشتند بنام هاله که با فردی بنام عبدالله مقصومی ازدواج کرد بعد از مدتی وی درگذشت، هاله دو فرزند داشت یکی بنام ام کلثوم و دیگری رقیه.

بعد از مدتی هاله نیز از دنیا رفت و پیامبر (ص) و حضرت خدیجه (س) این کودکان بی‌سرپرست را پیش خودشان آوردند و آنها را بزرگ کردند. یک احتمال این است که عثمان با اینها ازدواج کرده که اینها دختر خوانده‌های پیامبر هستند نه دختر خودشان.

یک روایت هم این است که عثمان با اینها ازدواج نکرده بلکه عثمان زنانی بنام ام کلثوم و رقیه داشته که برای بعضی از تاریخ نویسان

مشتبه شده این افراد دختر خوانده‌های پیامبر(ص) هستند.

هیچ موقع خلیفه سوم، نه با دختران پیامبر(ص) و نه با دختر خوانده‌هایشان ازدواج نکرده‌اند. برای اینکه در زمان عثمان در هیچ کجای تاریخ نداریم که گفته شده باشد عثمان، داماد پیامبر است یا حتی خود پیامبر(ص) نیز گفته باشد عثمان داماد من است.

در جایی آمده که خلیفه دوم گفته است خوش به حال علی که سه افتخار دارد که هیچ کس آنها را ندارد کاش من هم آنها را داشتم؛ یکی از آنها این است که داماد پیامبر(ص) است. این نشان می‌دهد شخص دیگری داماد پیامبر(ص) نبوده است.

موضوع داماد پیامبر(ص) بودن خلیفه سوم، در زمان خودش، حتی مطرح نشده و بعدها مورد بحث قرار گرفته است، برای اینکه به امیرالمومنین(ع) بگویند تو اگر یک دختر از پیامبر گرفته‌ای عثمان دو دختر ایشان را گرفته در حالی که این حقیقت ندارد و این مسائل بعد از عثمان و در زمان بنی‌امیه مطرح شده و آنها این مطالب را در تواریخ آورده‌اند.

* نقش اموال حضرت خدیجه(س) در پیشرفت اسلام چگونه بود؟

همه اموال حضرت خدیجه(س) در سه سال زندگی در شعب ابی‌طالب خرج شد و ایشان مالا و جانا و با تمام وجود از پیامبر(ص) دفاع کردند، بنابراین پیامبر ما نیز هرگاه یاد ایشان به میان می‌آمد با احترام و عزت از ایشان یاد می‌کردند، حتی یکی از همسران پیامبر می‌گفت: من خدیجه(س) را ندیدم ولی وجودم پر است از کینه نسبت به او. برای اینکه پیامبر اسلام (ص) هر وقت اسم ایشان می‌آید از او با عزت و احترام یاد می‌کنند.

پیامبر(ص) نیز بارها به وی توضیح داد که تو هم مورد علاقه و احترام من هستی ولی حضرت خدیجه(س) به تعبیر ما استثنایی بود، زمانی ایشان من را پذیرفت که احدی من را قبول نمی‌کرد زمانی به من ایمان آورد که هیچکس به من ایمان نیاورده بود. زمانی که من از لحاظ مالی عقب بودم تمام مال و اموالش را به خاطر اسلام داد. بنابراین حضرت خدیجه(س) در تاریخ اسلام دارای موقعیت خاصی هستند و پیامبر اکرم(ص) هیچ موقع ایشان را فراموش نمی‌کردند.

جایگاه ثروت در اسلام

* از اینجا مساله‌ای مطرح می‌شود و آن بحث ثروت از منظر اسلام است. به نظر ثروت از نظر اسلام چه جایگاهی دارد؟

در متون اسلامی، مال و ثروت در دو دسته از روایات آمده است: یک دسته از روایات نظرشان نسبت به مال و ثروت منفی است و یک دسته، مثبت. هر دو را ذکر می‌کنیم و نظرات را به هم می‌رسانیم و سپس نتیجه می‌گیریم.

در دسته اول روایات، در ظاهر از جنبه منفی به مال نگاه شده است؛

حضرت علی(ع) می‌فرماید: نعمت فراوانی ندیدم مگر آنکه در کنارش حق ضایع شده باشد.

در روایت دیگری می‌فرماید: خداوند سبحان بر مال و دارایی توانگران روزی‌های بی‌چیزان را واجب گردانید پس بی‌چیز گرسنه نماند مگر به سبب آنچه که توانگر به او نداده است و در روز رستاخیز خداوند متعال آنان را مؤاخذه خواهد کرد.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: من رهبر و امام مومنان هستم، و مال و ثروت، پیشوای گناه کاران. یعنی مومنان از من پیروی می‌کنند ولی گناه کاران مطیع مال و ثروتند.

امام علی(ع) می‌فرماید: المالُ مادة الشهوات؛ مال ریشه شهوات است.

هر کس درهم و دینار را دوست داشته باشد او بنده دنیاست.

از این دست روایات بسیار زیاد است که به نظر می‌رسد مال و ثروت، مذموم است و مذمت شده و خوب نیست.

در مقابل، روایاتی وجود دارد که در مورد مال و ثروت مدح و تعریف کرده‌اند؛

در خود قرآن از مال و ثروت به عنوان زیور دنیا یاد شده است: «وَالْبُتُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ

همچنین رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: چقدر مال صالح برای مرد صالح خوب است.

امام باقر(ع) می‌فرماید: چقدر کمک دنیا برای تحصیل آخرت خوب است.

با تامل در این دو دسته از روایات روشن می‌شود که اصل مال و ثروت در اسلام مذموم نیست بلکه از آن جهت که وسیله و ابزاری برای رسیدن به آخرت است ممدوح و پسندیده است.

از آنروست که هنگامی که امیرالمومنین(ع) مردی را مشاهده کرد که دنیا را مذمت می‌کند فرمود: آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده‌ای یا دنیا به تو ظلم کرده است؟

در اسلام، مال و کسب مال حلال، پسندیده و در مواردی جزء واجبات است ولی مال پرستی در مقابل خداپرستی مورد مذمت و سرزنش قرار گرفته است.

آنچه که از دنیا سرزنش شده است هدف قرار دادن این دنیا و هدف قرار دادن ثروت بجای خداپرستی است، ثروت پرستی و مال پرستی مذموم است نه خود مال و ثروت.

در دین اسلام مال وسیله‌ای است برای رسیدن به سعادت اخروی و تقرب الهی نه هدف.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ « (منافقون/9) ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند...«

یعنی مال نباید باعث شود که انسان از یاد خدا و عبادت غافل شود.

شهید مطهری می‌گوید: در اسلام مال و ثروت هیچگاه تحقیر نشده است نه تولیدش نه مبادله‌اش و نه مصرف کردنش. بلکه به همه اینها توصیه شده است و برای آنها شرایط و موازین مقرر شده است. (کتاب نظری بر اقتصاد اسلامی صفحه 17)

در اسلام، دفاع از مال در حکم جهاد دانسته شده است و کشته شدن در این راه اجر و پاداش شهادت را دارد.

بدین ترتیب در اسلام کشاورزی، تولید ثروت و توزیع عادلانه آن در جامعه سفارش شده است.

چگونگی خرج کردن مال و ثروت هم در اسلام مورد توجه است و نباید اسراف و تبذیر شود.

ثروت اندوزی از راه مشروع مشکلی ندارد در تاریخ داریم بعضی از پیامبران مثل حضرت سلیمان(ع) و حضرت داوود(ع) هم دارای اموال بسیاری در روی زمین و زیر زمین بوده‌اند.

ثروت خودش مشکلی ندارد ولی اگر هدف قرار گیرد و باعث فراموشی آخرت شود و در مقابل خداپرستی قرار بگیرد آن موقع مشکل ساز است. در واقع اسلام در این مورد هم حد وسط را تعیین کرده و تمام انسان‌ها را به حفظ تعادل راهنمایی می‌کند.